

جرایم زنان در مقایسه با مردان

1 آبان 1401

در سال‌های اخیر برخی رفتارها از سوی زنان تغییر کرده است، زنان بیشتر از قرن گذشته در جامعه نقش آفرینی می‌کنند

زنان حدود نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند و گروهی آسیب‌پذیر و حساسند. در دهه‌های گذشته شواهدی از افزایش مشارکت زنان در رفتارهای جنایی به دست آمده است. در سال‌های اخیر اگرچه سهم زنان در ارتکاب جرایم افزایش یافته ولی هنوز نرخ جرایم زنان 15 تا 20 درصد است. در روستاها هم میزان ارتکاب به جرایم در حال افزایش است.

برخی کارشناسان علت جرایمی چون فساد، فحشا و رفتار خلاف اخلاق را در مرحله نخست ناشی از نابرابری می‌دانند. رفع نابرابری زنان در عبور از مشکلات بنیادین آنها نظیر بی‌سوادی، متعادل کردن درآمدها و رفع مشکلات و شکاف درآمدی بسیار موثر است. زندانی شدن زنان خصوصاً در جوامع سنتی موجب گسستن آنها از شبکه‌های نیرومند خانوادگی، خویشاوندی، همسایگی و قومی و قبیله‌ای می‌شود در نتیجه به انزوای اجتماعی آنها منجر می‌شود. در جوامعی که مساعدت‌های مالی نهادها و سازمان‌های حمایتی به زنان آزاد شده از زندان ناچیز است و نمی‌تواند نیازهای مادی آنها را تامین کند مشکلات رفاهی موجب می‌شود تا زنان مرتکب جرایم و آسیب‌های اجتماعی نظیر سرقت، مواد مخدر، کلاهبرداری و... شوند.

در حال حاضر با توسعه دانش میان زنان و حضور آنان در بخش‌های مختلف جامعه زمینه جرایم زنان نسبت به گذشته فراهم شده و در نتیجه جرایم زنان رو به افزایش است حتی برخی از رفتارهای زنان نسبت به گذشته تغییر کرده و در مواردی هم آنها به عنوان فرد سازمان‌دهنده ایفاگر نقش هستند.

حرکت اخیر زنان در تجمعات و اعتراضات نشان‌دهنده برخی رفتارهای آنان است

«علی نجفی توانا» جرم‌شناس درخصوص جرایمی که زن‌ها در حال حاضر نسبت به زمان گذشته مرتکب می‌شوند می‌گوید: «در مورد بزهکاری زنان و مردان مطالعات علمی زیادی در اکثر جوامع انجام شده است هر چند که آمارهای واقعی در این خصوص وجود ندارد زیرا در پیوند تمام جرایم اعم از جرایم زنان و مردان ما با حجم عظیمی از بزهکاری پنهان مواجه هستیم و آمارهای بزهکاری آشکار بخش کوچکی از جرایم واقعی در جوامع را نشان می‌دهد.

در جوامع سنتی حداقل طی دو قرن حاضر به دلیل عدم مشارکت زنان در زندگی اجتماعی و اقتصادی و درگیری مردان در این پیوند عمده جرایم اعم از جسمی و مالی توسط مردان انجام می‌شد و آمار جرایم زنان بسیار ناچیز و کم‌اهمیت جلوه می‌کرد الا درخصوص برخی جرایم از جمله سقوط جنین، فرزندکشی، شوهرکشی، سم دادن یا سرقت‌های بسیار کوچک خانگی اما با ورود به دنیای حاضر و توسعه دانش در میان زنان و حضور آنان در زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زمینه جرایم زنان نسبت به گذشته

فراهم شد و در نتیجه جرایم زنان رو به افزایش گذاشت به گونه‌ای که براساس آمارها بین 10 تا 20 درصد از جرایم در کشورهای مختلف از جمله ایران به زنان اختصاص یافت یعنی آمارها نشان‌دهنده حضور زنان در جرایم جدید مانند کلاهبرداری، سرقت‌های سازمان‌یافته، جیب‌بری و جرایم جسمی مانند سقط جنین، فرزندکشی، شوهرکشی یا سایر جرایم جسمانی و همچنین روسپی‌گری و تشکیل خانه‌های مربوط به فساد و فحشا و... است.»

او در ادامه توضیح می‌دهد: جالب‌تر اینکه بعد از ورود به قرن 21 و استفاده از فضای مجازی و اینترنت ورق دیگری از تاریخ بزهکاری زنان در کتاب رفتارهای جنایی تحلیل شد و شرایط جدید با حضور زنان به ویژه نوجوانان و جوانان را در اکثر جرایم اینترنتی و فضای مجازی اگر نگوییم بیشتر؛ می‌توان گفت به نوعی و تا حد قابل‌توجهی همسان و هم‌اندازه باید تلقی شود.

به عبارت روشن‌تر امروز جرایمی که توسط خانم‌ها انجام می‌شود در مقایسه با آقایان در فضای مجازی مانند سرقت داده‌ها، تغییر داده‌ها، انتشار مطالب یا سرقت ادبی یا مزاحمت‌ها و سایر جرایم مربوط به فضای مجازی تا حد زیادی با بزهکاری مردان برابری می‌کند زیرا نسل جوان تحت‌تأثیر آموزه‌های جدید و راهکارهای نو، دارای رفتاری تقریباً همسان هستند ولی همچنان مشاهده می‌شود که زنان به دلیل افزایش حضورشان نسبت به قرن گذشته در زندگی اجتماعی در کشورهای جهان سوم در بسیاری از جرایم حتی سرقت‌های بزرگ، مواد مخدر، توزیع مواد مخدر یا اعتیاد نقش‌آفرینی بیشتری دارند و در مواردی هم به عنوان فرد سازمان‌دهنده ایفاگر نقش هستند و مسلماً این تعبیر و تغییر باید در هر جامعه به‌طور جداگانه‌ای درخصوص جرایم ویژه بررسی می‌شود. مثلاً در کشورهایی که روابط دختر با دختر خلاف قانون تلاقی نمی‌شود و زندگی مشترک یا ازدواج سفید یا زندگی بدون ازدواج براساس یک موضوع عاطفی صورت می‌گیرد و با یکدیگر زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند و این عمل آنها جرم تلقی نمی‌شود. درحالی‌که در برخی کشورها از جمله ایران و برخی از کشورهای اسلامی این عمل جرم و تحت عناوین کیفری است. ضمن اینکه روسپی‌گری کماکان در تمام کشورهای دنیا از جمله کشور ما جرم تلقی می‌شود ولی عملاً به علت عدم ازدواج جوانان در کشورمان شاهد هستیم که جوانان رابطه جنسی به همراه زندگی مشترک را شکل داده‌اند و این موضوع آمار بسیار بالایی را در بر گرفته است. روابط جنسی در میان جوانان عملی طبیعی است درحالی‌که در قانون این موضوع جرم محسوب می‌شود اما جزو آمارها به حساب نمی‌آید.

زنان از لحاظ توانایی روحی و روانی نسبت به مردان از قدرت بیشتری برخوردار هستند.

توانا درباره حضور زنان در جامعه می‌گوید: «بنابراین اگر آمار واقعی در کشور ما یا در کشورهای دیگر که این‌گونه اعمال جرم‌انگاری شده، مدنظر باشد آمار جرایم بیش از آن است که در آمار رسمی مشاهده می‌شود. در مجموع می‌توان گفت در تمامی جوامع با افزایش جرایم زنان و حضور آنها حتی در جرایم مردانه مواجه هستیم و شاید بتوان گفت بین 15 تا 30 درصد از جرایم توسط زنان صورت می‌گیرد. این آمار در کشور ما در ظاهر اندکی کمتر ولی در واقع بیشتر از آنچه که در آمارها اعلام می‌شود، وجود دارد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد رفتارهای مختلفی است که بین زن و مرد در کشور ما مشاهده می‌شود که در بسیاری از کشورها این رفتارها جرم نیست. درخصوص علت تفاوت جرایم زنان با مردان باید

گفت مطالعات زیادی در این باره انجام شده و دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. یکی از دلایل سنتی تفاوت فیزیکی و جسمانی است. چون برخی از جرایم نیاز به توانمندی جسمی دارند و خانم‌ها نسبت به مردان دارای توانمندی جسمی کمتری هستند بنابراین تمایلی به حضور یا توانایی به ارتکاب جرایم مربوط به مردان را ندارند. یکی دیگر از دلایل را می‌توان عدم حضور زنان در زندگی اجتماعی و اقتصادی دانست. زنان در زندگی اجتماعی و اقتصادی نسبت به مردان کمتر حضور دارند بنابراین حجم جرایم ارتكابي آنان نیز نسبت به مردان کمتر است.

مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد بحث سیستم روانی و ساختار فیزیکی زنان است. بسیاری از افراد معتقد هستند که زنان از لحاظ توانایی روحی و روانی نسبت به مردان از قدرت بیشتری برخوردار هستند و مقاومت‌شان نیز در برابر فشارهای اجتماعی بیشتر است درحالی که مردان سریع‌تر عصبی می‌شوند و آسیب‌پذیرتر هستند و به همین دلیل مردان به نوعی تحت‌تأثیر محرک‌های خارجی قرار می‌گیرند و از جرم به عنوان روشی برای برون‌رفت از شرایط استفاده می‌کنند. فقر مادی و معنوی هم در ارتکاب برخی جرایم اثرگذار است اما نمی‌توان تنها این عامل را تأثیرگذار دانست زیرا همان‌طور که می‌بینیم بعضی مدیران با اینکه به لحاظ مادی مشکلی ندارند ولی فقر فرهنگی آنها باعث واکنش‌هایی از سوی برخی از افراد می‌شود. شخصا اما اعتقاد این است که عامل اول و سوم تا حدی می‌تواند موثر باشد اما مهم‌ترین عامل این است که زنان به نوعی از لحاظ فرهنگی تا امروز به صورت متفاوت نقش‌آفرینی کرده‌اند. در سال‌های اخیر بروز برخی رفتارها از سوی زنان بیشتر به چشم می‌خورد خصوصا این حرکت اخیر زنان در تجمعات و اعتراضات نشان‌دهنده بروز این رفتارهای آنان است.

***بهاره شبانکارئیان، اعتماد 5331**